کیهان

اخبار کشور

صفحه ۲
پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵
۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۹۱

یادداشت روز

ردپای ستون پنجم را گم نکنید!

۱- این روزها، ایران عزیزمان درگیر یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار است و آمریکا را به اعتراف دوست و دشمن با شکست‌های سختی روبه‌رو کرده است. دشمن اما، اگر از در رانده شود، بازگشت از پنجره را فراموش نمی‌کند. از این دریچه، به وضوح می‌توان دید که آمریکا و متحدانش بخش قابل توجهی از توان خود را روی دو محور فشار اقتصادی و پمپاژ یاس و ناامیدی متمرکز کرده‌اند و شاهد شماری از اقدامات تنش‌آفرین هستیم که نمی‌توان و نباید از نقش ستون پنجم در پیدایش آن غافل بود. برخی از این تصمیم‌ها به‌گونه‌ای است که حتی اگر کشور در شرایط عادی و غیر جنگی هم بود، اتخاذ آن با هیچ عقل سلیم و نگاه اندیشمندانه‌ای همخوانی نداشت. از این روی اتخاذ این تصمیم‌ها نه فقط نابلدانه و ناشیانه به نظر می‌رسند، بلکه احتمال دخالت ستون پنجم در این‌گونه سیاست‌پردازی‌ها و تصمیم‌سازی‌ها را نیز قوت می‌بخشند. به‌عنوان مثال، ماجرای بنزین، نان، قیمت‌های افسارگسیخته خدمات درمانی، کالاهای ضروری دیگر و... را می‌توان در این فهرست جای داد. نکته درخور توجه دیگر آن‌که در اتخاذ این تصمیم‌های هنجارشکن، نوعی عجله نیز دیده می‌شود(!) انگار که تصمیم‌سازان نابلد و یا ستون پنجمی‌های القاءکننده، نگران از دست رفتن فرصت‌ها هستند!

۲- پیش از این در یادداشتی آورده بودیم که واژه «ستون پنجم - Fifth column» از چند دهه قبل و در جریان جنگ‌های داخلی اسپانیا، وارد فرهنگ سیاسی شده است. ژنرال فرانسیسکو فرانکو، دیکتاتور خونریز اسپانیا، هنگامی که قصد حمله به مادرید و برچیدن بساط جمهوری را داشت، در نامه‌ای خطاب به جمهوری‌خواهان که شهر مادرید را در اختیار داشتند، نوشت: «من با چهار ستون سرباز و تجهیزات از شرق و غرب و شمال و جنوب به سوی شهر در حرکتم، اما شما فقط روی این چهار ستون حساب نکنید بلکه ستون دیگری هم داریم که در داخل شهر و حتی در میان جمع شما هستند که برای ما فعالیت می‌کنند! آنها ستون پنجم ما هستند»(!). وقتی سپاه فرانکو به مادرید رسید، ستون پنجم از مدت‌ها قبل، ماموریت خود را آغاز کرده و با انتشار داستان‌های ساختگی و دروغ‌پردازی‌های پی‌درپی، خواسته‌های ژنرال فرانکو را بدون ذکر نام و در قالب خیرخواهی برای مردم اسپانیا تبلیغ کرده بود و این‌گونه بود که، دیکتاتور خونریز اسپانیا بیش از سه دهه حاکم مطلق‌العنان این کشور بود».

۳- «نفوذ» که خطر آن بارها در هشدارهای امام راحل و آقای شهیدمان آمده است، انواع متفاوتی دارد که دو نوع آن از اهمیت بیشتری برخوردار است. نوع اول آن، نفوذ برای ترور، انفجار، سرقت اطلاعات و اسناد محرمانه و خرابکاری‌های دیگری از این نوع است. شناخت این‌گونه از نفوذی‌ها بر عهده نیروها و سازمان‌های اطلاعاتی است و مراکز اطلاعاتی کشورمان نشان داده‌اند که در این زمینه از توانمندی‌های فراوان و درخور توجهی برخوردارند. نوع دوم نفوذ که خطرناک‌ترین نوع آن است، «نفوذ در ساختار» و مراکز سیاست‌پرداز و تصمیم‌ساز نظام است. در این حالت ماموریت عامل نفوذی تغییر محاسبات مسئولان است به‌گونه‌ای که خروجی آن، با خواسته دشمن همسو و هم‌جهت باشد. در این کلام از بیانات آقای شهیدمان که فقط بخشی از ده‌ها هشدار حضرت ایشان درباره نفوذ است توجه کنید. می‌فرمایند: «من از روی اطّلاع دارم عرض می‌کنم که برنامه نفوذ در کشور یک برنامه جدّی استکبار است، برنامه جدّی آمریکایی‌ها است؛ دارند دنبال می‌کنند که نفوذ کنند. یکی از آماج‌های این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوّم مردمند... مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است. به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود... وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد».

۴- حالا این پرسش در میان است که آیا ستون پنجم دشمن را می‌توان شناخت؟ پاسخ این سؤال مثبت است. این طیف از نفوذی‌ها را با توجه به نوع ماموریت آنها می‌توان شناخت چگونه؟ ماموریت کسی که برای نفوذ در ساختار نظام و تغییر محاسبات مسئولان آمده است، با ماموریت کسی که برای خرابکاری و ترور آمده است، تفاوت فراوانی دارد. کسی که با هدف ترور و خرابکاری نفوذ کرده است، زبان و قلم و ظاهری همخوان و همراه با نیروهای مؤمن و انقلابی دارد و هرگز دست به اقدامی نمی‌زند و یا سخنی بر زبان و قلم نمی‌آورد که با مبانی و اصول نظام متفاوت باشد و هویت واقعی او را فاش کرده و مانع انجام ماموریتش بشود! دم فرو بستن یکی از اساسی‌ترین آموزه‌ها در ماموریت اوست. اما نفوذی‌هایی که ماموریت آنها «تغییر محاسبات مسئولان» است باید دیدگاه و نظر خود را بر زبان و قلم بیاورند و از این رهگذر ذهن و دیدگاه مسئولان را با آنچه در پی القایِ آن هستند، همسو کرده و جهت بدهند. «نقطه افشاء» دقیقاً همین‌جاست. البته اگر چشم بینا و گوش شنوایی در میان باشد(!) چرا که نظرات مطرح شده از سوی این طیف، الزاماً با مبانی و نقشه راه اعلام شده نظام زاویه دارد و از این طریق قابل شناسایی خواهند بود. گفتنی است، در کلام خدا نیز به این راه برای شناخت دشمنانی که در لباس دوست خزیده‌اند اشاره شده است. آنجا که در آیه ۳۰ سوره محمد(ص) خطاب به پیامبر اعظم(ص) آمده است: «وَلو نشاء لارینا کهم فلعرفتهم بسیماهم و لتعرفنهم فی لحن القول و الله یعلم اعمالکم ... و اگر بخواهیم آنها را به تو نشان می‌دهیم تا آنها را از چهره‌شان بشناسی [اما چنین نکرده‌ایم ولی تو] آنها را از نوع سخن و [نظریاتی که مطرح می‌کنند] خواهی شناخت؛ و خدا کارهای شما را می‌داند».

۵- حضرت آقای شهید چند روز قبل از آخرین انتخابات ریاست جمهوری (۵ تیرماه ۱۴۰۳) خطاب به دو نامزد انتخابات می‌فرمایند: «توصیه و عرض ما به نامزدهای انتخابات [این است]. من به این حضرات محترم عرض می‌کنم که با خداوند خودتان عهد کنید که اگر موفق شدید و توانستید مسئولیتی به دست آورید، کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره‌ای زاویه داشته باشد، او به درد شما نمی‌خورد. او همکار خوبی برای شما نخواهد بود. آن کسی که دلبسته آمریکا باشد و تصور کند که بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود».

۶- خطر زاویه‌دارها هنگامی است که در مسئولیت‌های کلیدی (حتی لایه‌های دوم و سوم) به کار گرفته شوند و یا به‌عنوان مشاور، در کنار فلان مسئول حضور داشته باشند و متاسفانه باید گفت که این رخداد خسارت‌بار در پاره‌ای از موارد به وقوع پیوسته است و برخی از مسئولان، زاویه‌دارهایی از این دست را (خواسته یا ناخواسته) در پوشش «وفاق» به کار گرفته‌اند! و حال آنکه، وحدت یا وفاق تعریف شناخته شده‌ای دارد. وفاق که گزاره بسیار ارزشمندی نیز هست، در میان کسانی است که اصول و مبانی مشترکی دارند، اگرچه ممکن است سلیقه‌های سیاسی متفاوت و حتی متضادی داشته باشند. با این تعریف از وفاق، زاویه‌دارها نه فقط وصله ناجور وفاق، بلکه آفت و دشمن وفاق نیز هستند.

اکنون دو پرسش جدی در میان است. اول آن‌که آیا زاویه‌دارها در برخی از مسئولیت‌های حساس به کار گرفته نشده‌اند؟! پاسخ آن است که شده‌اند. و پرسش دوم این که، مجلس با وظیفه نظارتی خود، دولت با مسئولیت اجرائی خود، دستگاه قضائی با تصریح قانون اساسی بر پیشگیری از وقوع جرم و مراکز اطلاعاتی و امنیتی با شرح وظایف تعریف شده برای مقابله با برهم‌زنندگان امنیت کشور، در کجای این میدان ایستاده‌اند؟!

حسین شریعتمداری

کیهان بررسی کرد

عصای «جریان غربزده» زیر بغل «ترامپِ شکست‌خورده»

سرویس سیاسی -

دشمن پس از چشیدن طعم شکست، تمام توان خود را بر سیاه‌نمایی و بازتولید آشوب متمرکز کرده است؛ پروژه‌ای که با شوک‌های اقتصادی مشکوک اما پی‌درپی و عملیات روانی رسانه‌های زنجیره‌ای، دقیقاً در حکم عصای دست کاخ سفید عمل می‌کند.

روزهای اخیر، صحنه تقارن معنادار مجموعه‌ای از رخدادهای اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای در داخل کشور با تحرکات آشکار ضدانقلاب و اظهارات مقامات آمریکایی است. اگر پازل این تحولات را در کنار یکدیگر قرار دهیم، تصویر روشنی از یک طراحی پیچیده در قالب «جنگ ترکیبی» پدیدار می‌شود؛ طراحی‌ای که در آن، دشمن پس از ناکامی در میدان نبرد نظامی و محاصره همه‌جانبه، اکنون تمام توان خود را بر ایجاد سیاه‌نمایی، تحریک معیشتی و بازتولید الگوی آشوب متمرکز کرده است. در این میان، آنچه بیش از هر چیز به این پروژه ضدامنیتی ضریب می‌دهد، از یک‌سو بی‌تدبیری‌ها و شوک‌های اقتصادی و رسانه‌ای پی‌درپی برخی مدیران اجرایی و از سوی دیگر، عملیات روانی هدفمند جریان غربزده و رسانه‌های زنجیره‌ای است که عملاً در نقش عصای زیر بغل کاخ سفید ظاهر شده‌اند!

روایت یک زنجیره شکست‌خورده

بخش قابل‌توجهی از این تحرکات را باید در چارچوب راهبرد کلان واشنگتن تحلیل کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور متوهم آمریکا، زنجیره‌ای را تعریف کرده که نقطه پایانی آن چیزی جز تجزیه و نابودی ایران نیست. همان‌طور که رهبر شهیدمان بارها هشدار داده بودند، هدف اصلی ایالات متحده از تقابل با جمهوری اسلامی، نه مذاکره و پایان جنگ، بلکه «بلعیدن ایران» است.

واشنگتن در ماه‌های گذشته تمام کارت‌ها را برای تکمیل حلقه‌های این زنجیره به کار گرفت؛ از تحریم و تلاش برای محاصره دریایی و هوایی گرفته تا جنگ. با این حال، هدایت‌های داهیانه رهبر معظم انقلاب، سد مستحکم نیروهای مسلح و هوشیاری و بصیرت ملت عزیز ایران، ماشین جنگی دشمن را زمین‌گیر کرد.

این شکست میدانی تا آنجا عیان است که حتی نظریه‌پردازان برجسته آمریکایی همچون «استفان والت» نیز اذعان کرده‌اند واشنگتن با فشار اقتصادی و محاصره دریایی قادر به سرنگونی نظام ایران نیست و تصور فروپاشی از این مسیر صرفاً یک «خیال‌پردازی» است. اکنون که ترامپ در جنگ مستقیم و محاصره به بن‌بست رسیده، بهترین و تنها سناریوی پیش روی خود را «آشوب‌افکنی داخلی» می‌بیند تا با ایجاد هرج‌ومرج و مشغول‌سازی دستگاه‌های امنیتی و انتظامی، زمینه را برای حمله نظامی بعدی فراهم کند.

فراموش نکرده‌ایم که «سگ زرد» چندی پیش طی اعترافی پرده از ماهیت حقیقی اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ برداشت و صراحتاً اعلام کرد که آمریکا برای معترضان و تروریست‌ها از طریق عناصر کُردی سلاح فرستاده است! در آن مقطع نیز «دیوید بارنیا»، رئیس سابق موساد، با ارائه طرحی به ترامپ و نتانیاهو مدعی شده بود که همزمان با حمله خارجی، می‌تواند از طریق شورش خیابانی و ورود گروهک‌های تجزیه‌طلب، کار را یکسره کند؛ طرحی که با مدیریت هوشمندانه انتظامی و اقدام به‌موقع نیروهای مسلح به مواضع تروریست‌ها و حماسه ماندگار مردم در ۲۲ دی‌ماه به شکست انجامید. امروز دشمن دقیقاً همان نقشه را بازآفرینی کرده است؛ با این تفاوت که می‌داند تا زمانی که اختلاف و آشوب خیابانی در داخل شکل نگیرد، حمله نظامی بی‌نتیجه خواهد بود.

از ژست مقاومت مدنی تا مسلح کردن تروریست‌ها!

در همین راستا، مهره‌های سوخته اپوزیسیون نیز مأموریت یافته‌اند تا فاز عملیاتی خود را تغییر دهند. مواضع اخیر ربع پهلوی در سفر به بروکسل و سخنرانی در ساختمان پارلمان اروپا، پرده از چهره واقعی جریانی برداشت که سال‌ها پشت نقاب «مقاومت مدنی» پنهان شده بود. او در حالی از ایجاد «موازنه قدرت» و لزوم تقویت مردم برای در اختیار داشتن «وسایلی جهت دفاع از خود» سخن گفته که همزمان ویدئویی از نشست خصوصی‌اش با نزدیکانش منتشر شد که در آن صراحتاً به تغییر سیاست خود و لزوم «مسلح‌کردن مردم» اعتراف می‌کند.

این مواضع، ادامه یک سیر خطی و هدفمند برای عادی‌سازی جنایت علیه ملت ایران است. این جریان ابتدا همزمان با حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ به عادی‌سازی مداخله نظامی خارجی پرداخت و بمباران خاک ایران را «کمک ترامپ» جا زد و زمانی که زیرساخت‌های کشور هدف قرار گرفت و ترامپ از نابودی تمدن ایران دم زد، با وقاحت تمام شعار «دوباره می‌سازیم» را سر داد.

اکنون، جریان خائن و وطن‌فروش پهلوی پس از شکست در کودتای دی‌ماه، با دستور مستقیم موساد وارد فاز تروریسم عریان شده تا در کنار گروهک‌های تجزیه‌طلب شرق و غرب کشور، با ترور و ایجاد هسته‌های مسلح، پروژه جنگ داخلی را کلید بزند.

شوک‌های مشکوک اقتصادی پی‌درپی

اما پرسش اساسی اینجاست که دشمن چگونه می‌خواهد پروژه جنگ خیابانی را در داخل فعال کند؟ شکی نیست که دشمن برای ایجاد آشوب، منتظر بهانه است؛ بهانه‌هایی که نه به دست سرویس‌های جاسوسی، بلکه از قِبَل خطاهای مدیریتی و تصمیمات شوک‌آور اقتصادی در داخل زاده می‌شود و سپس توسط اتاق‌های فکر خارجی و ذهن‌های ویروسی‌شده ضریب می‌گیرد.

مرور رخدادهای اقتصادی هفته‌های اخیر، از نوعی شتاب‌زدگی مشکوک و خلق بحران‌های غیرضروری حکایت دارد. در شرایطی که کشور در وضعیت «جنگ تمام‌عیار اقتصادی» قرار دارد، انتشار اخبار و اظهارات نسنجیده درباره تغییر قیمت یا نحوه عرضه کالاهای اساسی، حکم ریختن بنزین بر آتش انتظارات تورمی را دارد. در رأس این موارد، اظهارات جنجالی و مکرر مقاماتی همچون سقاب اصفهانی و قائم‌پناه درباره جمع‌آوری کارت سوخت جایگاه‌ها و توصیه به مردم برای ذخیره‌سازی بنزین در آستانه سالگرد اغتشاشات آبان ۱۳۹۸ قرار دارد؛ سخنانی که همزمان با عرضه بنزین سوپر با نرخ ۱۱۰ هزار تومان در برخی جایگاه‌های تهران و تبریز، به التهاب شدید روانی دامن زد و صف‌های طولانی در پمپ‌بنزین‌ها ایجاد کرد.

این روند به حوزه سوخت محدود نماند؛ اجرای بی‌سروصدا و بدون اطلاع‌رسانی قبلی طرح سهمیه‌بندی نان در دو استان خوزستان و زنجان، بدون آنکه نانوایان و مردم توجیه شده باشند، فضای این استان‌ها را به‌شدت ملتهب کرد. تعیین سقف ۸ کیلوگرم آرد دولتی با نرخ ۲۳۰۰ تومان و محاسبه مازاد آن با نرخ آزاد ۱۲ هزار و ۶۵۰ تومان، آن هم در سکوت خبری، زمینه‌ساز شایعات گسترده شد. همزمان، کاهش یا قطع سهمیه آرد و نفت مناطق روستایی و عشایری در بیش از ۱۳ استان در آستانه فصل سرما، واکنش‌های اعتراضی را در پی داشت.

در کنار این‌ها، آزادسازی قیمت کالاهای پرمصرفی چون روغن موتور و تایر سواری از سوی ستاد تنظیم بازار که به جهش ۳۰ درصدی قیمت لاستیک از ۲۷ آبان‌ماه منجر شد، و همچنین جهش سنگین قیمت تخم‌مرغ از کیلویی ۶۵ هزار تومان در پایان دولت شهید رئیسی به مرز ۴۰۰ هزار تومان (شانه‌ای ۸۰۰ هزار تومان)، فشار مضاعفی را بر سفره مردم وارد کرده است. این بی‌ثباتی‌ها دقیقاً همان خوراکی است که کانال‌های تلگرامی قیمت‌ساز ارز برای القای دلار ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی و ترغیب مردم به احتکار غذا و دارو به کار می‌گیرند.

آبدانان و تست ظرفیت آشوب

واقعه تلخ واژگونی اتوبوس حامل کارکنان شرکت NGL در مسیر دشت‌عباس به آبدانان و جان‌باختن ۱۳ نفر از کارگران و کارمندان زحمتکش، نمونه عینی از نحوه بهره‌برداری دشمن از رویدادهاست. بی‌تردید، کوتاهی شرکت پیمانکاری در تأمین اسکان مناسب برای کارگرانی که هر روز مسیر طولانی ۱۵۰ کیلومتری را طی می‌کردند، خطایی نابخشودنی است و خانواده‌های داغدار حق دارند از مسیر قانونی و قضایی، مجازات مقصران را تا حصول نتیجه دنبال کنند.

با این حال، دشمن بلافاصله پس از این حادثه وارد میدان شد تا اندوه این خانواده‌ها را مصادره کند. تجمعی که ابتدا با هسته ۳۰۰ نفره و با مطالبات کاملاً صنفی و معیشتی شکل گرفته بود، به‌سرعت تحت هدایت عناصر خارج‌نشین و عناصر وابسته به دراویش گنابادی و تروریست‌های کُردی به انحراف کشیده شد.

شعارها از پیگیری حقوق کارگران به سمت حمایت از گروهک تروریستی سلطنت‌طلبان تغییر یافت و جمعیت ۱۵۰۰ نفره به سمت حمله به مسجد جامع شهر سوق داده شد. جالب آنکه گروه‌های معاند خارج‌نشین حتی بر سر مصادره این تجمع و بهره‌برداری تبلیغاتی از خون جان‌باختگان با یکدیگر درگیر شدند؛ دعوایی که نمایشی بودن ژست دلسوزی آن‌ها را بیش از پیش برملا کرد. هرچند حساب مردم شریف و غیور آبدانان جداست و در زمره اقلیت مخلان نظم و امنیت این خطه نمی‌گنجد.

از این رو، حوادث آبدانان را نباید صرفاً یک اعتراض صنفی دید؛ این پازل، تست زنده‌ای برای بازسازی الگوی آشوب‌های دی‌ماه است تا با فرسایش از داخل و همزمان با تهدیدات خارجی، انسجام ملی هدف گرفته شود. مطالبه مردم باید شنیده و مقصران مجازات شوند، اما نباید به دشمن اجازه داد نفس تازه کند؛ امروز مدیریت نارضایتی‌ها و هوشیاری امنیتی، خط مقدم دفاع است.

تیترهای سفارشی زنجیره‌ای‌ها و بازی در پازل دشمن

در این میان، آنچه پازل دشمن را در حوادث اخیر تکمیل کرد، هم‌نوایی معنادار برخی مطبوعات و رسانه‌های زنجیره‌ای و جریان غربزده در داخل بود.

در همین رابطه روزنامه «شرق» در گزارشی با تیتر سفارشی و تحریک‌کننده «۱۲ نفر هرگز به خانه نرسیدند»، به جای کمک به پیگیری قانونی و قضایی مقصران سانحه واژگونی اتوبوس در آبدانان، با برجسته‌سازی جزئیات تلخ و طرح ادعاهایی نظیر اینکه «درآمد NGL هم تا ماهیانه پنج هزار میلیارد رسیده بود، اما از تمام این پول یک خوابگاه یا حتی کانکس اسکان هم به کارکنانش نرسیده!»، عملاً بر آتش دمید و پازل رسانه‌ای شبکه‌های معاندی چون «ایران‌اینترنشنال» و «بی‌بی‌سی» را در داخل بازتولید کرد.

این هم‌افزایی رسانه‌ای در پرونده قتل دختر کرمانشاهی نیز با هماهنگی گروهک‌های تجزیه‌طلب کومله و دموکرات و فعالین ضدانقلاب خارج‌نشین تکرار شد.

نکته قابل‌تأمل اینجاست که روزنامه زنجیره‌ای «اعتماد» - به مدیرمسئولی الیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت - با تیتر «بِأَیِ ذَنبٍ قُتِلَت» و با ژست مضحک حمایت از حقوق زنان، به انتشار گفت‌وگویی با شهیندخت مولاوردی - مبدع ایده سخیف عقیم‌سازی زنان کارتن‌خواب - پرداخت و حزب «اتحاد ملت» - اعضای حزب منحله مشارکت - نیز در نشست هفتگی دفتر سیاسی خود به ریاست آذر منصوری و نامه سرگشاده به سران قوا، تلاش کرد تا با طرح ادعای «تعلل شانزده‌ساله در تصویب قانون تأمین امنیت زنان»، کاسه و کوزه مشکلات را بر سر نظام بشکنند.

این بهره‌برداری ابزاری از مقوله «حقوق زنان» در حالی است که کارنامه این جریان مملو از تناقض و لکه‌های سیاه است؛ از پیشنهاد شرم‌آور «عقیم‌سازی زنان کارتن‌خواب» در دی‌ماه ۱۳۹۵ و تمسخر نامزدی زنان در انتخابات ۱۳۹۶ گرفته تا ماجرای قتل یک زن توسط شهردار اصلاح‌طلب اسبق تهران که همین مدعیان، مقتول را «پرستو» و قاتل را «نخبه و جنتلمن» نامیدند. افزون بر این، پیوند دادن لایحه تأمین امنیت زنان به سند استعماری ۲۰۳۰ که معصومه ابتکار صراحتاً به آن اذعان کرد، نشان داد هدف این جریان نه صیانت از زنان، بلکه توهین به زنان و تضعیف بنیان خانواده است.

اوج بی‌صداقتی و ریاکاری این جماعت را می‌توان در سکوت مطلق آن‌ها در برابر شهدای زن این سرزمین دید؛ برای نمونه، در حالی که روزنامه‌های زنجیره‌ای و جریان تسلیم‌طلب برای کوچک‌ترین رویدادی رگ گردن متورم می‌کنند، در برابر شهادت «دکتر مهسا طاهری»، نخبه شیمی‌فیزیک و نخستین شهیده زن حوزه فناوری موشکی ایران در اسفند ۱۴۰۴، یا فداکاری «مرضیه نبوی‌نیا»، پرستار جوانی که در آتش‌سوزی درمانگاه امام سجاد (ع) رشت به دست آشوبگران برای نجات بیماران جان باخت، مهر سکوت بر لب زدند؛ سکوتی که ثابت می‌کند دغدغه این جریان نه جان زنان ایرانی، بلکه فشار بر حاکمیت و ماهی‌گیری از آب گل‌آلود است؛ یعنی دقیقاً همان چیزی که ترامپ به دنبالش است.

ضرورت تغییر آرایش اقتصادی و رسانه‌ای دولت

و اما وضعیت کنونی بیش از هر چیز نیازمند هوشیاری و تغییر ریل در تیم اقتصادی و اطلاع‌رسانی دولت است. کشور در میانه یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار قرار دارد و اداره کشور در شرایط جنگی، قواعد و انضباط خاص خود را می‌طلبد. تیم اطلاع‌رسانی دولت باید با جلوگیری از اظهارنظرهای پراکنده، متناقض و شوک‌آور مسئولان درباره کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی، آرامش روانی را به بازار بازگرداند. تصمیمات اقتصادی نیز باید از حالت انفعالی و شوک‌درمانی خارج شده و به سمت «آرایش اقتصادی جنگی» با محوریت ثبات‌بخشی به معیشت مردم و نظارت قاطع بر زنجیره تأمین حرکت کند.

دشمنی که در میدان نبرد نظامی و محاصره شکست خورده و امروز به مهره‌های سوخته و گروهک‌های تروریستی برای ایجاد آشوب دل بسته است، تنها زمانی می‌تواند به آرزوی خود برای بلعیدن ایران نزدیک شود که در داخل، خطاهای مدیریتی و عملیات روانی جریان غربزده، مسیر را برای او هموار کنند. هوشیاری دستگاه‌های اجرایی، برخورد قاطع قضایی با مقصران حوادثی چون آبدانان برای خلع سلاح تبلیغاتی دشمن، و بصیرت افکار عمومی، همان سدی است که عصای جریان غربزده را از زیر بغل ترامپ شکست‌خورده بیرون خواهد کشید.

پدافند هوائی ارتش اعلام کرد

یک فروند پهپاد MQ9 آمریکایی در آسمان شرق تنگه هرمز منهدم شد

نیروی پدافند هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران از انهدام یک فروند پهپاد MQ9 با اقدام بموقع این نیرو در آسمان شرق تنگه هرمز خبر داد.

در ادامه موفقیت‌های نیروی پدافند هوائی ارتش در انهدام پهپادهای پیشرفته دشمن یک فروند پهپاد MQ9 در شرق تنگه هرمز، توسط سامانه‌های بومی نیروی پدافند هوائی ارتش مستقر در جنوب شرق کشور و تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوائی کشور شناسایی و با اقدام بموقع منهدم شد.

پیش از این، روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده بود: بامداد روز چهارشنبه سامانه‌های پدافندی پاتریوت و سکوهای (لانچرهای) پرتاب پهپاد و موشک ارتش تروریستی آمریکا در پایگاه علی‌السالم کویت با پهپادهای انهدامی، هدف قرار گرفت. پایگاه هوائی علی‌السالم از پایگاه‌های مهم، مرکز اصلی ترابری هوائی و دروازه ورود نیروهای نظامی به منطقه غرب آسیاست که نقش محوری در راهبرد نظامی و لجستیکی ارتش متجاوز آمریکا در منطقه ایفا می‌کند.

به گزارش ایرنا در ادامه اطلاعیه ارتش آمده است: ما در دفاع از ایران، در برابر هیچ قدرتی سر خم نمی‌کنیم، بلکه پاسخ ما به هرگونه تهدید و تجاوز، قاطع، کوبنده و بدون محدودیت جغرافیایی خواهد بود.

خبر ویژه

تطهیر جاسوس دوتابعیتی توسط روزنامه منتسب به مقام دولتی

روزنامه زنجیره‌ای اعتماد که متعلق به الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت است، دیروز طی گزارشی به تطهیر کاوه مدنی، جاسوس سه تابعیتی و معاون سازمان محیط زیست در دولت روحانی پرداخت.

اعتماد نوشت: «روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز دوشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۵، گزارشی با عنوان «جنگ ممکن است معمای دیرینه سدهای ایران را که بدون دلیل روشنی ساخته شده‌اند، پاسخ دهد» به قلم صنم ماحوزی و اریکا سولومون منتشر کرد. نویسندگان گزارش با طرح این پرسش که چرا ایران در دهه‌های گذشته تعداد زیادی سد، تونل و خطوط انتقال آب در مناطق مختلف ساخته است، مدعی شدند که بخشی از این پروژه‌ها با تأمین نیازهای زیرساختی تأسیسات نظامی و شهرهای موشکی ارتباط دارد... واکنش کاوه مدنی، رئیس مؤسسه آب، محیط زیست و بهداشت دانشگاه سازمان ملل متحد، صریح‌تر و سریع‌تر از همه بود. او در شبکه اجتماعی ایکس در پاسخ به گزارش نیویورک تایمز نوشت: «کمتر مزخرف بگوییم. حدس و گمان، مدرک نیست. نزدیکی جغرافیایی دو متغیر، دلیلی بر وجود رابطه علت و معلولی بین آنها نیست.» مدنی همچنین تأکید کرد حتی کسانی که به ایران حمله کرده‌اند نیز چنین ادعایی درباره ارتباط سدها و موشک‌ها مطرح نکرده‌اند. او این روایت را تقلیل‌گرایانه و جنجال‌آفرین خواند و درباره پیامدهای خطرناک آن برای زیرساخت‌های غیرنظامی آب هشدار داد». این روزنامه غربگرای مدعی اصلاح‌طلبی علاوه‌بر این، مصاحبه‌ای را با کاوه مدنی در این گزارش منتشر کرده است.

کاوه مدنی جاسوس سه تابعیتی ۲۶ شهریور ۹۶ با حکم عیسی کلانتری، معاون سازمان محیط زیست شد. بعد از حکم کلانتری برای مدنی، رسانه‌های اپوزیسیون با ذوق‌زدگی از روی کار آمدن یک «جوان نخبه» در دولت روحانی سخن می‌گفتند!

وی اواخر اسفندماه «نشست تخصصی خیابان ولی‌عصر» را برگزار کرد تا پیگیر امور مربوط به چالش بدون زباله در تهران باشد. او بعد از آن از کشور به مقصد مالزی خارج شد؛ انتشار عکس‌های کاوه مدنی در ایام تعطیلات عید که در حال رقصیدن در یک مراسم مختلط با زنان در خارج از کشور بود موجی از انتقادات را در بر داشت. این جاسوس سه تابعیتی توانسته بود از کشور بگریزد. کاوه مدنی سپس مدعی شد استعفا کرده است.

چه کسانی این جاسوس را به مدیران محیط زیست قالب کردند و چه کسانی او را فراری دادند؟ و چرا در روزنامه رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت چنین غلط‌هایی برای تبرئه و تطهیر یک جاسوس انجام می‌شود؟ لازم است نهادهای اطلاعاتی ارتباطات این روزنامه و جاسوسان را مورد بررسی و پیگیری قرار دهند و قوه قضائیه از انجام این تخلفات و باز کردن معبر برای نفوذ جاسوسان ممانعت به عمل آورد.

بی‌بی‌سی فارسی:
ترامپ قدرت تخریب حملات ایران را پنهان می‌کند

بی‌بی‌سی فارسی با استناد به گزارش‌های برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه سی‌بی‌اس، ابعاد تازه‌ای از خسارات حملات ایران به مراکز نظامی آمریکا در منطقه را آشکار کرده است؛ خساراتی که با روایت رسمی دونالد ترامپ از میزان موفقیت حملات ایران فاصله‌ای قابل تأمل دارد و بار دیگر پرسش‌هایی جدی درباره پنهان‌کاری دولت آمریکا و تلاش کاخ سفید برای کوچک‌نمایی قدرت نظامی ایران مطرح کرده است.

بر اساس این گزارش، حملات ایران دست‌کم ۳۱ مرکز نظامی و دیپلماتیک آمریکا را در هشت کشور هدف قرار داده و صدها ساختمان و تأسیسات آمریکایی آسیب دیده یا ویران شده‌اند. از جمله این اهداف، مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین بوده است؛ مرکزی راهبردی که آسیب‌دیدن آن می‌تواند پیامدهای مهمی برای حضور و تحرکات نظامی واشنگتن در منطقه داشته باشد.

گزارش همچنین به حمله اول مارس به بندر شعیبه کویت اشاره می‌کند؛ حمله‌ای که به کشته‌شدن شش نظامی آمریکایی انجامید. در همین زمینه، یک افسر ارشد ارتش آمریکا از ضعف استحکامات و ناکافی‌بودن امکانات حفاظتی و پزشکی انتقاد و نسبت به بی‌توجهی فرماندهان به هشدارهای امنیتی اعتراض کرد و با ارسال نامه و گزارش به کنگره خواهان رسیدگی فوری شده است.

با این حال، دونالد ترامپ همچنان تلاش دارد تصویری کاملاً متفاوت از میدان نبرد ارائه دهد. او مدعی شده است که از میان هزاران پهپاد و موشک شلیک‌شده از سوی ایران، تنها شمار بسیار اندکی به اهداف خود رسیده‌اند. اما گزارش «۶۰ دقیقه» با طرح ابعاد خسارات واردشده، این پرسش را پیش می‌کشد که اگر ادعاهای کاخ سفید درباره ناکامی حملات ایران درست است، پس این حجم از خسارات و تلفات چگونه قابل توضیح است؟

بر اساس اطلاعات مطرح‌شده در این گزارش، شمار مجروحان آمریکایی از ۸۰۰ نفر فراتر رفته و دست‌کم ۲۳ نظامی آمریکایی نیز جان باخته‌اند. این آمار در کنار خسارات واردشده به مراکز نظامی آمریکا، تصویری متفاوت از آنچه ترامپ درباره نتیجه حملات ایران تبلیغ می‌کند، ترسیم می‌کند.

اکنون پرسش اصلی این است: آیا کاخ سفید برای جلوگیری از آشکارشدن ابعاد واقعی ضربات ایران، در حال کوچک‌نمایی خسارات و ارائه آمار گزینشی است؟ آنچه روشن است، شکاف میان روایت تبلیغاتی واشنگتن و اطلاعات منتشرشده درباره خسارات میدانی، بیش از پیش اعتبار ادعاهای دولت آمریکا را زیر سؤال برده است.

گفت و شنود

خوش به حالت!

گفت: قیمت‌ها چرا رَم کرده‌اند؟ افسار آنها را چه کسی پاره کرده است؟!

گفتم: ادعا می‌کنند که گرانی‌ها به خاطر جنگ است!

گفت: جنگ در گرانی کالا و خدمات بی‌تاثیر نیست ولی این اندازه از افسارگسیختگی نمی‌تواند به علت جنگ باشد. بسیاری از صاحبنظران معتقدند که بی‌تدبیری و نابلدی برخی از مسئولان و درازدستی مفسدان اقتصادی عامل اصلی گرانی‌های افسارگسیخته است.

گفتم: پس مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس و دستگاه قضایی و مراکز امنیتی چه می‌کنند؟!

گفت: چه عرض کنم؟! شاید مفسدان اقتصادی و غارتگران بیت‌المال را به حال خود رها کرده‌اند تا هر وقت دلشان خواست دست‌های پلید خود را از سر اقتصاد کشور بردارند؟!

گفتم: ای عوام! مفسدان اقتصادی که سیر شدنی نیستند. تعدادی از پُرخورهای شکم‌پرست مشغول غذا خوردن بودند و هرچه می‌خوردند سیر نمی‌شدند! بالاخره یکی از آنها از شدت پُرخوری ترکید! بقیه گفتند؛ خوش به حالت که سیر شدی!

مدیرکل آژانس به دنبال تحمیل زیاده‌خواهی‌های هسته‌ای در مذاکرات است

پادویی «گروسی» برای آمریکا و اسرائیل با ژست دروغین بازگشت به دیپلماسی

سرویس سیاسی-

در حالی که کاخ سفید با گستاخی تمام به دنبال تحمیل زیاده‌خواهی‌های هسته‌ای در مذاکرات است، رافائل گروسی نیز با لحنی طلبکارانه و در راستای خوش‌خدمتی به اربابان تروریست خود از ضرورت بازگشت به دیپلماسی می‌گوید.

روز چهارشنبه (۲۷ آبان ماه) نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین آغاز به‌کار کرد؛ رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این نشست درباره وضعیت هسته‌ای ایران گفت: همان‌طور که در گزارش من پیرامون اجرای «توافق‌نامه پادمانی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)» و مفاد مرتبط در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران مشاهده خواهید کرد، آژانس به استثنای نیروگاه هسته‌ای بوشهر، نه اطلاعاتی از ایران درخصوص وضعیت مواد و تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده دریافت کرده و نه به هیچ‌یک از این تأسیسات برای انجام فعالیت‌های راستی‌آزمایی میدانی دسترسی داشته است. از این رو، آژانس قادر نبوده است به مسئولیت‌های پادمانی خود طبق «توافق‌نامه پادمانی NPT» عمل کند.

وی افزود: من نمی‌توانم درخصوص اجرای مفاد مرتبط قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، یا قطعنامه‌های شورای حکام (مصوب نوامبر سال گذشته و ژوئن سال جاری) توسط ایران، گزارشی ارائه دهم.

این گفته در حالی است که طبق قانون و همچنین طبق بندهای سند برجام، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل درباره برنامه هسته‌ای ایران به پایان رسیده است و ایران هیچ مانعی در این خصوص ندارد.

مدیرکل آژانس در ادامه بدون محکومیت حمله تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به تاسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران ادعا کرد: تا زمانی که ایران اطلاعاتی درباره وضعیت مواد و تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده‌اش در اختیار ما قرار ندهد و امکان دسترسی به این تأسیسات را برای انجام فعالیت‌های راستی‌آزمایی میدانی فراهم نکند، آژانس نخواهد توانست نتیجه‌گیری کند که هیچ‌گونه انحرافی در مواد هسته‌ای اعلام‌شده از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز در ایران رخ نداده است.

وی همچنین گفت: بازگشت به دیپلماسی و مذاکرات با هدف یافتن راه‌حلی برای مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران، امری ضروری است.

گروسی همچنین بدون درنظر گرفتن علت ناامنی در تاسیسات هسته‌ای ایران و همچنین بدون توجه به تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی گفت: همان‌طور که ماه گذشته در جلسه توجیهی خود برای شورای امنیت سازمان ملل متحد بیان کردم، از ایران می‌خواهم که تدابیر فنی و گام‌به‌گامی را مدنظر قرار دهد که شرایط لازم برای بازگشت بازرسان ما به ایران را فراهم آورد. به گزارش تسنیم، وی ادامه داد: چنین گام‌های فنی، تدریجی و مرحله‌به‌مرحله‌ای می‌تواند ضمن هموار کردن مسیر برای اجرای عادی پادمان‌ها در ایران، به ایجاد فضائی برای اعتمادسازی کمک کند که خود بستر مناسبی برای دستیابی به توافقی گسترده‌تر خواهد بود.

وقتی گروسی طلبکار می‌شود!

نشست فصلی شورای حکام در وین در حالی روز چهارشنبه (۲۷ آبان ماه) آغاز به‌کار کرد که رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بار دیگر با مواضعی مدعی‌گونه و همسو با منافع غرب ظاهر شد. گروسی در اظهارات خود با اشاره به گزارش پادمانی و ادعای عدم دسترسی میدانی به تأسیسات هسته‌ای ایران (به‌استثنای نیروگاه بوشهر)، مدعی شد که آژانس قادر به تأیید عدم انحراف مواد هسته‌ای نبوده و از ایران خواست با تدابیر فنی و گام‌به‌گام، شرایط بازگشت بازرسان را فراهم کند تا به گفته او فضائی برای دیپلماسی و اعتمادسازی ایجاد شود.

این اظهارات طلبکارانه در حالی مطرح می‌شود که گروسی برای جلب رضایت ترامپ و رژیم کودک‌کش صهیونیستی از هیچ خیانتی فروگذار نکرده است. در روزهایی که تأسیسات هسته‌ای کشورمان هدف حملات تروریستی و جنایتکارانه آمریکا و اسرائیل قرار گرفت، مدیرکل آژانس به جای محکومیت صریح این اقدامات ضدبشری، روزه سکوت گرفت و با انتشار گزارش‌های دوپهلو و مشکوک، عملاً جاده‌صاف‌کن تجاوزگران شد. حال با کمال پررویی موضع مدعی به خود گرفته و از بازگشت به دیپلماسید دم می‌زند. اصرار گروسی بر اجرای قطعنامه‌هایی که مدت‌هاست به اتمام رسیده‌اند و تکرار ادعاهای کهنه درباره بازرسی از سایت‌های هسته‌ای، دیگر خریدار ندارد. همان‌طور که پیش‌تر سخنگوی دستگاه دیپلماسی با سیلی محکم منطق نقاب از چهره این جاسوس برداشت، آژانس بدهی‌های زیادی به ایران دارد و مدیرکل آن باید ابتدا بدهی‌های قبلی خود را تسویه کند و بعد درباره روند آتی سخن بگوید.

کدام عقل سلیمی می‌پذیرد نهادی که باید نگهبان و ناظر فنی فعالیت‌های هسته‌ای باشد، به پادگانی رسانه‌ای برای پرونده‌سازی‌های سیاسی و امنیتی علیه ملت ایران بدل شود؟ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدت‌هاست که اعتبار حرفه‌ای خود را در پای منافع غرب قربانی کرده و به ابزاری برای فشار تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اقتدار ملی خود تا اطلاع ثانوی به هیچ باج‌گیری هسته‌ای و بازرسی تن نخواهد داد و بازی‌های سیاسی گروسی و اربابانش راه به جایی نخواهد برد.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

*یک محاسبه اشتباه در میان سیاستمداران و تیم نظامی و امنیتی آمریکا وجود دارد که ایالات متحده می‌تواند زمان‌بندی جنگ را کنترل کرده و ایران در پایان هر جنگی بلافاصله پیشنهاد آتش‌بس را خواهد پذیرفت. رهبر معظم انقلاب در رد صریح این توهم و خطای محاسباتی دشمن فرموده‌اند اگر دشمنان مجدداً حملات نظامی یا تروریستی را شروع کنند، این نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران هستند که زمان و شرایط پایان آن را تعیین می‌کنند.

معرفت

*باید توجه داشت عبارت بدون محدودیت جغرافیایی در دستور رهبر معظم انقلاب به نیروهای مسلح فقط به معنای توسعه صرف کلاسیک مانند افزایش برد موشک نیست. بلکه شامل توسعه نامتقارن رزم هم می‌شود. ما با یک غولی می‌جنگیم که بودجه سالیانه آن به اندازه بودجه ۱۰ قدرت پس از خویش است. بنابر این برای مواجهه با سرمنشاء تهدید باید با ابزار نامتقارن، استراتژی جنگی فرامنطقه‌ای را در پیش گرفت.

دیانتی

* اعتراف مفسر آمریکایی به وحشت در واشنگتن؛ مقامات ارشد آمریکا از ترس ایران در پایگاه‌های نظامی پناه گرفته‌اند! بعد از این، خرید لانه موش برای مسئولان آمریکایی به شدت گران خواهد شد!

رهنما

* مذاکرات مربوط به انتقال گاز روسیه به ایران و بررسی امکان احداث خطوط لوله در این مسیر، از جمله طرح‌هایی است که ظرفیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی قابل توجهی برای کشورمان به همراه دارد و از جمله فرصت‌هایی است که در صورت مدیریت صحیح و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و دیپلماتیک هوشمندانه، می‌تواند جایگاه کشور را در معادلات انرژی منطقه ارتقا دهد.

معزی

*دولت، درست زمانی که کشور برای مقابله با تهدیدات خارجی به «تاب‌آوری اجتماعی» نیاز دارد، با محدودیت‌های جدید سوخت، فشار بر جامعه را افزایش می‌دهد. مسئله، دفاع از بنزین ارزان نیست. مسئله سوءمحاسبه در اولویت‌ها است.

برزویی

*گاهی فاصله میان یک هدف بزرگ اقتصادی و تحقق آن، تنها به چند ده کیلومتر ریل وابسته است. چند ده کیلومتری که می‌تواند مسیر تجارت، ترانزیت و همکاری‌های منطقه‌ای را متحول کند. راه‌آهن شلمچه-بصره از همین دست پروژه‌هاست. طرحی راهبردی که با وجود گذشت بیش از دو دهه از مطرح شدن آن، متاسفانه همچنان درگیر تأخیرهای اجرائی و وعده‌های تحقق نیافته است.چرا؟

اعتمادزاده

*این‌بار حقیقت را از خود سیاستمداران آمریکایی بشنوید. جان اوزوف، سناتور ایالت جورجیا، با انتقاد شدید از سیاست‌های دولت آمریکا در منطقه گفته آنها با دروغ ما را وارد یک جنگ دیگر در منطقه کردند. جنگی که نمی‌دانند چگونه به آن پایان دهند و نمی‌دانند چگونه در آن پیروز شوند. وضعیتی که خانواده‌ها در سراسر ایالت را تحت فشار قرار داده و کشاورزی جورجیا را نیز با مشکلات جدی مواجه کرده است.

برنجیان

*ترامپ در چنان باتلاقی گیر کرده که نه می‌تواند از آن بیرون بیاید، نه می‌تواند به جنگ ادامه بدهد و نه می‌تواند فشار اسرائیل را تحمل نماید. تنها یک راه دارد و آن این است که شروط ۷ گانه ایران را بپذیرد و عمل کند که همین هم به معنی اعلام باخت علنی آمریکا و پیروزی قاطع ایران است.

محرابیان

*احمدرضا جلالی جاسوس هسته‌ای ایران که دستگیر و به اعدام محکوم شد فقیر و بی‌سواد نبود. از طرف حکومت و دولت نیز طرد نشده بود. ایشان دکترای هسته‌ای داشت. انگیزه و جاسوسی وی فقط و فقط شیفتگی به فرهنگ و زندگی غربی بوده است و اکثر خیانت‌ها با این دلیل انجام شده است. حکومت تمام امکانات رفاهی لازم را به ایشان و خانواده‌اش داده بود. قابل توجه افرادی که فکر می‌کنند دلیل جاسوس و یا خرابکار شدن افراد فقر است یا حکومت از دانش آنها استفاده نمی‌کند و با این پیش‌فرض نتیجه می‌گیرند دولت و حکومت مقصر است.

محتشم‌پور

*نگاه افکار عمومی در کشورهای خلیج‌فارس به آمریکا در حال تغییر است. و جایگاه این کشور در نگاه مردم منطقه از «تأمین‌کننده امنیت» به «عامل ایجاد خطر راهبردی» تبدیل شده است.

شیرنگی

*پیامبر اکرم (ص) فرمودند خدمت به خانواده، خاموش‌کننده خشم خداوند و زیاد کننده حسنات و درجات است. و خدمت نمی‌کند کسی به خانواده‌اش مگر صدیق یا شهید یا کسی که خدا خیر دنیا و آخرت را برای او می‌خواهد.

صاحب‌اختیاری

*نشریه هیل گزارش داد به سندی از سنتکام دست پیدا کرده که بر اساس آن، هزینه جنگ تحمیلی آمریکا علیه ایران تقریباً به ۴۷ میلیارد دلار رسیده که از ماه سپتامبر بیش از ۳ میلیارد دلار افزایش یافته است. قابل ذکر این که این برآورد خسارت به پایگاه‌های نظامی آمریکا در سراسر منطقه را شامل نمی‌شود. هزینه کلی بسیار بیشتر است.

حاجی‌حسنی

*پنجشنبه، ۲۱ آبان، بخشی از زیرساخت ارتباطی یکی از بزرگ‌ترین غول‌های فناوری جهان یعنی شرکت مایکروسافت در ایالات متحده آمریکا دچار اختلال شد. شرکتی که بخش بزرگی از ارتباطات اداری، تجاری و سازمانی جهان به خدمات آن گره خورده است. این یعنی جهان غرب، برخلاف تصورش بسیار آسیب‌پذیر است و رفته رفته این واقعیت بیش از پیش دارد خودش را به رخ همه می‌کشد.

عشوری

* در پی حمله سایبری به شرکت مایلوا، یکی از شرکت‌های زیرمجموعه گروه پست فرانسه، اطلاعات شخصی و نشانی پستی ۲۲ میلیون نفر به‌سرقت رفت! اگر چنین وقایعی در کشور ما رخ دهد غربگرایان چه قشقرقی راه می‌انداختند!

بصیرتی

* فهم مردم، مسئولان، نظامیان و سیاستمداران از معادلات قدرت و صحنه جنگ همان است که در نماهنگ «تنگه را محکم بگیر» هر شب در میادین و اجتماعات مردمی همخوانی می‌شود:

دست به پرچم بگیر، تنگه را محکم بگیر — با یا علی دم بگیر، شور دمادم بگیر
دریا رو از دم بگیر، تنگه را محکم بگیر! — مطیع امر رهبر، بزن به سیم آخر

حق‌بیان

* کارشناس تایوانی می‌گوید؛ آشنایی کامل نیروهای مسلح ایران با شیوه‌های بمباران آمریکا در طول بیش از نیم‌سال گذشته، انهدام اهداف کلیدی را برای پنتاگون به مراتب دشوارتر کرده و شکار سالم پهپاد آمریکایی نیز برتری الکترونیکی و امکان هک سایر پهپادها را به رخ کشیده است!

خسروی

* تصاویر منتشر شده از تظاهرات گسترده جوانان آلمانی، ضرب‌وشتم وحشیانه معترضان به‌دست پلیس برلین را نشان می‌دهد. غرب‌گدایان نظری ندارند؟ نمی‌خواهند وا اسفا و وا حقوق بشر سر دهند؟!

اسدی‌راد

* جمهوری اسلامی ایران برای همه سناریوها آماده است و هیچ زمانی به اندازه امروز آماده نبوده است. دشمن با دقت رصد می‌شود، ابتکار عمل را از دست نخواهیم داد.

هادیان

*با توجه به اعلام خبرهایی از سوی بعضی دولتمردان که باعث تشویش اذهان عمومی می‌شود، ضرورت دارد شخص رئیس‌جمهور که به فکر معیشت مردم است، فکر جدی به حال جریانی در بدنه دولت بکند. چرا که بعضی اطرافیان ایشان با اظهارات و تصمیم‌های سؤال‌برانگیز خود، نه تنها آب به آسیاب دشمن می‌ریزند که سیاست‌گذاری‌ها را هم از مسیر درست منحرف می‌کنند.

نیرومنش

*اصلاحات درون ساختاری و توسعه اقتصادی دو مسیر جداگانه نیستند. به عبارتی ساختار سیاسی منسجم باید بتواند اهداف کلان اقتصادی را به برنامه‌های اجرائی تبدیل کند و در برابر انحرافات و ناکارآمدی‌ها واکنش نشان دهد.

شعرباف

*صورت‌های مالی شرکت‌های برخوردار از یارانه ارز ترجیحی، نشان می‌دهد حاشیه سودشان بعد از حذف ارز ترجیحی افزایش پیدا کرده و تنها چیزی که می‌شود قاطعانه گفت کاهش پیدا کردن قدرت خرید مردم است.

دباغی

*برای حل مشکل ناترازی بنزین و مبارزه با قاچاق سوخت ابتکارات فراوانی می‌شود انجام داد که از بحران‌های فعلی عبور کنیم و به جمع‌آوری کارت‌های سوخت جایگاه‌ها نرسیم. متاسفانه اولین اقدام برخی از مدیران ما، پاک کردن صورت مسئله و اجرای ابتدائی‌ترین راه‌حل که کمترین چالش را برایشان داشته باشد هست.

دیباجی

*سال گذشته دولت با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و گران‌سازی ارز رسمی، حدود ۱۰ میلیون تومان از جیب هر ایرانی برداشت و در مقابل، فقط یک میلیون تومان کالابرگ داد. به نظر می‌رسد با یک عملیات دیگر شبیه سال گذشته طرح کالابرگ عملا بی‌محتوی خواهد شد. کاش دولت با مردم صادقانه رفتار کند.

مرزبان